

تبصره بر تزیین اثاری که از غزنی کشف شد

ترجمه رضوی غز نوی

تزیینات قسمتهای معماری بناهای بزرگ «کاخ» از گل مخصوص «تیراکوتا» و گچ و مرمر است ولی متأسفانه از پنجاهتا کنون درخود اینجا چیزی بدست نیامده. آجرسازی به چندین روش مطابق به ضرورتی که برای استعمال آن موجود بود انجام مییافت مثلاً بریده و تراش میشد و پس از پختن در آتش، کنده کاری و حکاکی میشد یا با سیخ و میخ بکار می رفت. برای کارهای آرایشی چندین نوع خشت درست میشد و آنها را پس از آنکه در آتش پخته میشد برای استعمال آماده میکردند. رنگ این خشت ها عموماً قرمزی و شکل آنها مربع است. اندازه های آن یکی $22 \times 22 \times 25$ میباشد. ش (۱) و دیگری $40 \times 40 \times 5$ خشتهای بزرگ مربع مستطیل بانه از تقریباً $43 \times 22 \times 8$ سانتی متر که ساختمان خاصی داشت (۱) هم بنظر رسید. ش (۲).

بر حسب معمول، خشتکاری علاوه بر گچ کاری دو نوع است: ساختمان یکی از آنها تقریباً سراپا از گل سفید بود و بالاخص برای «ساحه های پس منظر» به شکل مثلث و بانداره کوچک درست شده و بکار میرفت. ش (۳)

و نوع دیگر که قوی و اندکی سنگین تر بوده، از آهک و گل سفید ساخته میشد، شیرازه سیاه داشت و ظاهر آن بسیار خشن بود. این خشت که خیلی محکم بود برای شبکه های کوچک بطرح گل و برگ درختان استعمال میشد. ش (۴ و ۵) (۲) و قتیکه آرایشها بر تخته بزرگی فراهم میشد و روکش خشت، پس از آنکه در جای خود نصب شده بود، کنده کاری میشد و طرح مطلوب را در آن حک میکردند، مثالهای

(۱) خشت مربع قرمز
تقریباً ۲۲ × ۲۲ × ۰۵



(۲) خشت مستطیل آبلان
۳:۲۲ × ۸ سانتی متر



(۳) خشت مثلث سبک شازگانیم انسانی و
ساخته میشد و در پس منظر اول علم
بکار میرفت

(۴) آجر سه گوشه بی، از گچ و آهک
درست می شد، شبرازد سیاه و نقشی به
شکل درخت داشت.





پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قابل تذکر این روش را در قسمتهای چندی از منار مسعود سوم که با کمال نرسیده است میتوان یافت. در طرحهای ساده تر هندسی که در آن عنصر اصلی بوسیله شکل خشت بکار میرفت - و قتیکه کار به پایان میرسید، آرایش صورت میگردفت و پارچه های تزئین شده بیشتر ذوب و در جاهای مخصوص خود بکار برده میشد (۳).

آرایی که زیاده و اج داشت مشخص کردن فاصله خشتها با پیرایه و تزئین بود. معذلتک این سبک تا کنون در غزنی پیدا نشده. نوع خاص دیگری که ساده بود نیز برای آن بکار میرفت تا چنانکه در تالار دوم دیده میشود طرحهای هندسی را تأیید کند و نیرو دهد (۴) پیچیده ترین قسمتهائی که با نقوش عربی بشکل گیاه آرایش شده بود و قتی ساخته میشد که بیشتر کار را در جای آن آماده کرده بودند شاید این کار با استعمال طرحهای کارتون مخصوصاً در حالی بیشتر بود که حواشی بزرگ با نبشته ها و خطوط در نظر میبود، بعضی حصه ها برگل تازه با قالب چوبی طرح ریزی میشد. این کارها برای برخی حصص مجسمه های برجسته، نرم و شکل پذیر صورت میگردفت. در نمونه های که در تصرف ما هست اندازه آنها همیشه برابر خشتهای کلان $۴۳ \times ۴۲ \times ۸$ سانتی متر است. (۵) ولی بعضی پارچه های که در آن آرایش تنها در دو سطح کنده کاری شده، نیز بکار رفته است.

در کار تزئینات مخلوط گنج و گل، آرایش قسمتهای گجکاری بوسیله مشخص کردن پاستری که قبلاً کار گذارده بودند فراهم میگردید و نه تنها در ساحه های پس منظر به شکل مثلث کوچکی استعمال می شد بلکه همینطور در شبکه ها با گل و بوته و آرایشهای برگ درخت مورد استفاده قرار داده میشد (۶) ولی البته باید بخاطر داشت که در برخی حالات این تزئینات را، غالباً، در قالبهای خشته - کاری که قبلاً ساخته شده بود چسب میدادند. (۷)

این آرایشها از نوعی اند که معمولاً در کشورهای اسلامی پیدا میشوند، همچون طرحهای هندسی، نقوش عربی، حواشی مکتوب با خط خوش نسخ و کوفی. در میان چندین نوع کوفی، تذکری از بعضی قطعات کلان یک کتیبه یادگاری که در خشتهای بزرگ حکاکی شده و به نوعی که به «کوفی محشی معروف است متعلق میباشد، بسی بجا است. این پارچه های مرمرین در غزنی به کثرت دیده میشود و چنین مینماید که اصل آن از خراسان باشد (۸).

نکته قابل یاد داشت اینست که تقریباً در تمام آثار تزئیناتی، نشانهای بسیاری از کار «رنگارنگ» یا هنر نقش و نگارهای رنگین بنظر میرسد. رنگهایی که برای خوشنویسهای آریایی بکار رفته چنین است: زرد طلائی برای حروف گذاری و سبز و سرخ برای زمینه پردازی؛ در پهلوهای رنگ سرخ، سفید را بسیار اندک یافتیم رنگها در تهداب اندود آهک و گچ گسترده شده بود تا در عین حال سطح را لشم نگهدارد.

اینهم ناگفته نماند که بعضی کاشی کاربهای کوچکی پیدا شد که بدبختانه به پارچه های کاملاً خرد و ریزی تبدیل یافته است. این کاشیها عموماً شکل مربع داشته، بعضی هموار و برخی دارای تزئینات برجسته ای میباشند که حیوانات تیر و گربه، پرندگان و گلها را برنگ سبز، قهوه ای یا زرد براق نمایش می دهد. با وجود این بعضی دارای چندین گوشه «کثیر الاضلاع» میباشد و درین صورت عموماً نشم اند نمونه های بسیار مکملی که از غزنی بدست آمده در مرز کابل محفوظ است (۶) (۹) و در انجایی که از «بست» هم است که از تمام جهات باغزنی مشابهت، جز آنکه از چوب ساخته شده. این کاشیهای سفالین بیگمان قسمتی از آرایش دیوارهای کاخ و با احتمال کلی قسمتی از طرح هندسی «بزار و گچ بری بالای دیوارزیر سقف را» تشکیل میداده. با وجود این نمیدانیم که آیا اینها تنها در آرایش داخلی بکار میرفت یا در تزئینات خارجی نیز استعمال میشد؟ در صورت اخیر ما یک آبدیه بسیار قدیم را که عبارت از منار مسعود سوم در غزنی باشد در دست داریم که کاشیهای براق رنگارنگ برای آرایش بیرون آن بکار رفته است.

معدالک مشخص ترین جنبه تزئینی کاخ مورد گفتگو استعمال مرمر برای مقاصد آریایی است. از کاوشهای که صورت گرفت، تخته های شکسته و درست مرمر باکنده کاربهای برجسته به تعداد زیاد، به علاوه مقدار بسیاری که پیش ازین پیدا شده بود، بدست آمد غالب این پارچه های درشت که بار دیگر در زیارت سلطان ابراهیم بکار رفته بود تا کنون نگهداری شده. (۱۰) اینها که گفتیم، به دو نوع مهم تعلق دارد و با اختلاف قابل ملاحظه ای که در آنها موجود است در سراسر ساحه غزنی به کثرت پیدا می شود. قسمت حکاکتی شده به سه بخش منقسم می شود: بخش بالایی یک خط نسخ یا کوفی را در بردارد، آرایش بخش

وسطی که کلا نتر است با یک سلسله طاقهایی که به شکل درخت خرما درست میگردند مربوط به هنر معماری میباشد. بخش پائینی، عبارت از نقش یک برده جعبه‌ای با دو گنج بری طوماری میباشد، آرایشها در دو سطح با بعضی توضیحات کنده کاری شده، حکک گردیده است (ش. ۷) نوع دیگر در قسمت وسط، جایکه نقوش عربی به چلچراغ و شمعدانهای چند شاخه ای محدود است، اختلاف دارد به علاوه اینها یک نوع دلچسپ دیگر هم داریم که اندازه و حجم آن از آنچه در بالا گفته شد بزرگتر است، اینها بوسیله یک سلسله حکاکیهای عمیق هشت ضلعی در داخل یک طرح بسیار پر نقش و نگار تزئینی درخت خرما مشخص شده اند (ش. ۸).

پارچه هائیکه روزی شاید اثر تزئینی برجسته دارای حاشیه عربی، و حیثاً قسمتی از آرایشی بوده که مدخل یکی از ایوانها را تشکیل میداد، سزاوار توجه خاص است. این پارچه‌ها محتوی یک سلسله حلقه‌ها یا پیچ‌هایی است که ریخته‌گری شده و با خط کوفی در سه سوی آن و گنج بری طوماری دولا در ذیل، تخریبه میشود. درباره کار مرمر هم باید گفت که این تزئینات همانهایی اند که در کشورهای اسلامی راجع بوده. اگر چه از بعضی جنبه‌های اصلی همچون حاشیه برجسته که فوقاً بیان شد در هیچ جای دیگر بمانند خود غ- زنی فراوان نیست و اینهم امتیاز و استثنای دیگری است. (۱۱)

من با پروفیسر بمباجی در اینکه هیچگونه اثر مستقیم یا غیر مستقیم نفوذ هندی در تزئینات غزنی مشهود نیست موافقم. ممکن است چنانکه در تابلوت سنگی حجاری شده و منقوش منسوب به مسعود و پارچه‌های بسیار دیگر آرمگاه مسی بینیم (۱۲) این تاثیرات در تاریخ بعد وارد شده باشد. راجع به استعمال مرمر - ولو که کسی در باره نموذ هندی بطور طبیعی فکر کند - به علاوه عقیده‌ای که توسعه پروفیسر بمباجی بیان شد، نگارنده فکر میکنم که ما باید دانش و معرفت خویش را از خوارزم جائیکه مرمر حقیقتاً بحیث یک ماده تعمیراتی و همچنان برای مقاصد مجسمه سازی در قرن ده و یازده بکار میرفت، توسعه بخشیم.

در پایان صحبت اشارتی به بعضی پارچه‌های مرمر سفید حکاکی شده که به وضع بدی با بقایای نبشته‌ها و علامات مخصوص که با احتمال کلی قسمتی از هنرهای مربوط به خاتم کاری میباشند ضروریست.

در بنجا گذارش کنجک و بهای هیات باستانشناسی ایتالوی در افغانستان مربوط به دشت مناره، به پایان می‌رسد.

(۱) به علاوه پارچه‌هایی که از خشک‌کاریهای دارائی

حواشی

ابعاد مختلف و متعدد که در عین حال متضمن علائم همچون «ویرگل» و غیر آنست، در موزه کابل پارچه‌ای از نسخت بزرگی که اندکی برجسته، کنده کاری شده و از یک تخته «تیرا کوتا» ی بزرگ بدست آمده است نگهداری می‌شود.

(۲) سقف رواق بست در لشکرگاه نمونه باقیمانده از همین نوع کار است ولی متأسفانه در اثر ترمیم و اصلاحی که کرده اند صدمه جبران ناپذیری بر آن وارد گردیده است.

(۳) نمونه‌هایی از این نوع را در خود غزنی در منارهای مسعود سوم و بهرام شاه می‌توان دید. مسیوسوردن تو ماین درباره این دو منار گفتگوی مفصلی کرده اند. ستونهای طاق بست و بعضی قسمتهای سقف مسجد جامع هرات، مربوط به غوریها، از همین نوع است.

(۴) گو دار در گفتار خویش راجع به صورت ابتدائی این پیوند یا روکش در منار «انگباست» به تفصیل صحبت کرده است و تئیکه خشت کاریهای نا پوشیده رنگ و رونق خویش را از دست میداد، روی آنرا با گچکاری نازک می پوشیدند و در کناره‌های آن اشکال هندسی نقش می کردند. شاید در تاربخهای بعد تر این طراح بر روی یک طبقه ضخیم گچ حکاکی میشد. نصا ویر این کار را در آثار گو دار راجع به رباطا شرف می توان دید.

(۵) از کاوشهایی که در کاخ صورت گرفت فقط چند پارچه کوچک این نوع بدست آمد ولی در دیوار زیارت بهلول از ینگونه آثار میابیم. پارچه نفیسی که از غزنی بدست آمده در موزه کابل محفوظ است.

(۶) پارچه‌های نیم ستونی که با شکلهای آرایشی هندسی و تزیینات کوچک و ریز گچکاری، درخشت کار شده و اهمیت خاصی دارد، از نالاردوم پیدا شد، این تخته پارچه‌ها را در تاربخهای بعد و باره رو کوبی کرده اند.

(۷) اینها که به یقین پس از کار شدن جابجا شده اند دارای حواشی گچ اندود و تزییناتی به شکل برگهای درخت و احتمالاً آرایشهای عمودی، میباشند. پارچه‌هایی که یافتیم دوباره بکار رفته و برای آخرین بار زینت بخش ایوان آخرین سالار سوم

گر دیده اند، این کار که در گنج صورت گرفته با آنهایی که در خشت کنده کاری شده از یک نسخه و نوع اندو با مقدار هنگفت ظرف و آثار هنری که از لشکر گناه کشف شد و اکنون در موزه کابل است نه تنها تشابه بلکه مطابقت کامل دارند.

(۸) فلوری یاد داشتهای مهمی در باره «تزیینات یادگارهای مربوط به گورستان های غزنه و پارچه های مرمرین عهد ابراهیم» منتشر کرده اند، نمونه های بسیار دلچسپ و جالبی از آرامگاههای سمت غربی این شهر فراهم آورده و کذا در باره نبشته ها و نقوش منار مسعود سوم استادانه سخن رانده اند. ایشان پارچه ای از قسمت بالایی یک نوشته را که همچون نبشته یافتگی ما است از دیوار خانه ای که در آن کار گزارده شده بود بدست آورده اند. نمونه کلاسیک این نوع خط کوفی در خرد از مدرسه نظام المالک پیدا شد که اکنون در موزه تهران است. یک نمونه نفیس دیگر در زوزن، از اوایل قرن سیزده، در ستون های ایوان قبله مسجد نقش است.

(۹) نشانی دلچسپی از این روش در راهرو مرمرین «اکهان» در انا تولیا پیدا شد که تاریخ آن به وسط قرن سیزده بر میگردد. حواشی بانصا ویر شیرها، ابوالهولها و سیمرغ ها به شکل هندسی تزیین یافته و در رواز مدخل قرار داده شده. این سبک آرایش در عهد باستان مروج بود. و من در یک پارچه بزرگ گجبری سرستون که با طرح هندسی تزیین شده بود بدان برخورددم. درین آرایش در فاصله های منظمی و مریح با انواع خاصه از طلاغ و هاگنی و گلهای رنگارنگ بکار رفته.

مثال جامع علوم انسانی

چند ظرف کاشی بهمین سبک بانصویر شیر و طرحهای چندی از قرن دهم در میان پارچه های لباس پیدا شد که اکنون در موزه مترو پولیتین نیویارک محفوظ است. در باره این ظرفها در کتاب هنر اسلام می چاپ نیویارک شرح مبسوطی بچاپ رسیده. بر پارچه دیگری طرحهای شش گوشهئی مستطیل کاشی بانصا ویر حیوانات نقش شده. نویسنده کتاب «پارچه های قرن یازده» عهد فاطمیان، در میوزیم مترو پولیتین «به تفصیل بحث کرده.

آخرین مثال هنر «حواشی و کوبی» را در شکل حیوانهای افسانوی که شکل طرحهای هندسی دارد در دیوار بکار رفته در اسپانیا یافته اند. اگر بخواهید می توانید نمونه های مربوط به قرن پانزده این کار را در مجموعه مادرید بنگرید.

مجموعه‌ای از نقش قیافه‌های حیوانات بصورت آرایش در «غرب» موجود است که از مجموعه‌های شرقی بدست آمده. نمونه چندی از آن در یکی از کلیساهای بزرگ ایتالیا دیده می‌شود و آنکه در موزه میتر و پولیتین است و در بالا از آن ذکر کردیم از همین جمله میباشد.

(۱۰) فلوری بدون تبصره خاصی تصویر دو تخته مرمر را که حاشیه‌ای بخط کوفی دارد در ضمن مقاله خویش چاپ کرده ولی پارچه دیگری که نبشته‌ای به خط نسخ دارد چنانکه فلوری پنداشته قسمتی از آرایشگریهای عهد ابراهیم نیست. گو در این در بحث خویش بر غزنی راجع به تخته پاره‌هایی که در زیارت سلطان ابراهیم محفوظ است تذکرات قابل ملاحظه‌ای داده اند.

(۱۱) من بعضی از این پارچه‌ها را از نقاط نزدیک روضه یافتیم اگرچه روشن نیست ولی شاید از دوره‌های اخیر باشد.

(۱۲) مشخصات شکل این گل و برگها با آن دیگری که در روضه شمالی قبه الاسلام دهلی بکار رفته (۱۱۹۲-۱۱۹۶) و همچنان زخمی که بر آرامگاه الشمس متوفای سال ۱۲۳۶ می‌باشد قابل مقایسه است اسرار هند و مسلمانان و سنگهای قبه مربوط به پایان قرن دوازدهم که در آنها غالباً نوع خاصی از محراب بنظر میرسد، روشن است.

دختران ضمیر ابن یحیی

هم چستند و چابک و چالاک	دختران ضمیر ابن یحیی
آن چنانشان پدر و ریدم پاک	در پس پرده طبیعت خویش
افگندشان فلک ندارم پاک	که اگر هم بدست نامحرم
نیست شویی و من ازین غمناک	به بلاغت رسیده اند و کفو
می دهمشان ز شومی افلاک	و ربندین خواجگان که کفو نه اند
کرده باشم بز ندگی در خاک	بره و رسم جاهلیتشان
نیتم نیست بعد ازین افلاک	حال ابنای روزگار اینست

نر نم دم بشعر تا بزیم
جز باطرای خواجه لولاک



(۵) خصوصیات شکل چهارم را دارد و با طرحهای گل و برگ در شبکه های کوچک استعمال میشود.



(۷) در این تخته مرمر خط نسخ کوفی و آرایش به شکل درخت خرما و همچنان تزیین گچ بری دیده میشود.

(۶) این پارچه تزیینی بانسختی که از بست پیدا شده همانداست اما چوبی نیست، کاشیست.



شهر گلستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

(۸) این پارچه از شکل هفتم بزرگتر است

و نقوش هشت ضلعی در میان آرایشهای گل و برگ، عمیقاً حک شده.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی